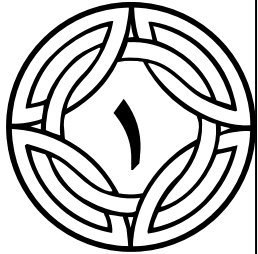


گوروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی



- مقالات چاپ شده دیدگاه فیروز کوه نیست.
- فیروز کوه در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مطالب ارسال شده دوباره مسترد نمی‌گردد.
- با نظریات و پیشنهادات خود ما را جهت بهتر شدن فیروز کوه همکاری نمائید.
- با تشکر از آنانی که ما را در این شماره از طریق فرستادن مطالب شان یاری نموده‌اند.
" اداره فیروز کوه "

سلام به آقای یعقوبی!

شماره نخست ماهنامه اتحاد در ماه دلو ۱۳۸۷ از چاپ بر آمد که یک اقدام شایسته فرهنگی است و خدا به آن رونق بیشتر عطا فرماید. در شماره اول اتحاد نوشته ای به قلم داکتر جمعه گل یعقوبی رییس شفاخانه ولایتی غور تحت عنوان «واقعیت ها در شفاخانه ولایتی غور» به چاپ رسیده که فیروز کوه می خواهد موقف خود را در باب آن بیان کند و روی سؤ تفاهماتی آن اندکی درنگ نماید:

۱- فیروز کوه همیشه تلاش کرده واقعیت ها را منعکس سازد و کار های خوب یا نا خوب مسولین را باز تاب دهد. اگر گاهی لحن انتقادی آن کمی بیشتر بوده برای این بوده که خود را در ادامه در ص ۴

گفتگوی ویژه با محترم سید اقبال منیب، والی ولایت غور؛ در رابطه به سفر شان به پایتخت کشور



فیروز کوه: محترم والی صاحب، نخست سلام و بعد، اولتر از همه می خواهیم بدانیم که اهداف عمده سفر شما همراهی بزرگان غور به کابل چی بود؟

منیب: و علیکم السلام، اولاً اظهار سپاس دارم از نشریه پُر خواننده فیروز کوه که انعکاس دهنده واقعیت ها در جامعه می باشد. ثانیاً طوری که همه شما در جریان هستید ما سفری به ترکیب رئیس و اعضای شورای ولایتی، بزرگان اقوام، نماینده شورای علما، رؤسای ادارات سکتوری و یک تعداد از تحصیل کردگان به کابل داشتیم. اهداف عمده ما در این سفر این بود که مشکلات، عقب مانی ها، اقتصاد ضعیف و مشکلات فرهنگی و اجتماعی جاری در غور را به دولت مرکزی، جامعه جهانی و مؤسسات بین المللی رسانده و توجه آن ها را در امر پیشرفت، ترقی، انکشاف و باز سازی جلب نمائیم.

فیروز کوه: تشکر جناب والی صاحب، در قدم بعدی، لطف نموده در مورد کارکرد های خویش در طی این سفر به خوانندگان عزیز ما معلومات دهید.

منیب: ما در جریان این سفر ملاقات های متعددی داشتیم... ادامه در صفحه ۳

از جوانان کمونست تا مکتب رفته گان دموکرات

نبی ساقی

گروه (جدا از رفتار آن ها) روی هم رفته شبیه هم بود:

تغییر نظام و آوردن عدالت. جریان متمایل به سوسیالیسم که اکثریت این نوع مکتب خوانده ها را شامل می شد، نسبت به طیف رقیب خود هم از سازمان یافتگی بیشتری برخوردار بود و هم از جانب حکومت - شاید زیر فشار نیروی های بیرونی - میدان جولان وسیع تری برایش میسر بود. این جریان چند ویژگی بارز داشت که به بعضی از آن ها در زیر اشاره می شود: ۱- قدرت طلبی و ادعای آوردن عدالت و ترقی در جامعه. ۲- طرفداری افراطی و بیشتر تبلیغاتی از تجدد در برابر سنت. ۳- حمله های نمادین به رسوم و عنعنات مردم و سنت های حاکم قبیله ای. ۴- تحقیر و توهین به مذهب و مراسم مذهبی. ۵- انقلابی بودن. ۶- عملگرایی. ۷- افراط گرایی و شتاب زدگی. ۸- انحصار گرایی و ادامه در ص ۲

آیا هشتم مارچ

عزت است؟؟؟

عبدالوقار دانشیار

زمانی که ایدیولوژی اسلام توسط آخرین پیامبر یعنی حضرت محمد مصطفی صل الله علیه وسلم به جهانیان رسانیده شد و در نتیجه این دعوت میلیون ها انسان این ایدیولوژی را که مبدأ یا فکرة آن را عقیده بر وجود خالق مدبر در ماورای حیات، کائنات و انسان، عقیده بر کتب آسمانی، ملائک، پیامبران و ایمان بر این که همه قضای خیر و شر از جانب الله است، تشکیل می دهد. چون این ایدیولوژی، ایدیولوژی ای است که از جانب الله مقتدر به انسان وحی گردیده، سازگار با فطرت انسانی و موافق به طبیعت انسان بوده و در عین حال این ایدیولوژی دارای نظام های مختلفی در عرصه های گوناگون حیات انسان بوده که بر مبنا و اساس همان فکرة بنا یافته است. و هر ایدیولوژی دیگری در جهان مثل ایدیولوژی کپتالستی یا سرمایه داری دارای فکرة و نظام ها (طریقه) می باشد، و فکرة سرمایه داری جدائی دین از زندگی بوده که بر اساس و مبنای آن نظام های مختلفی در عرصه های گوناگونی از قبیل دیموکراسی در سیاست و رأسمالی در اقتصاد؛ بوجود آمده است، پس پذیرفتن یکی از نظام های آن مثل این است که مبدا یا فکرة آن را پذیرفته باشیم. پس اسلام نیز دارای نظام های مختلف بوده که هیچ بُعدی از بُعد زندگی را مبهم نگذاشته و رهنمائی خاصی در آن بخش دارد. بر همین مبنا، یکی از عمده ترین و برجسته ترین نظام های اسلام، نظام خانوادگی و اجتماعی بوده که بیشتر به حقوق زنان تأکید می نماید. چون قبل از اسلام طوری که همگی آگاه اند، برای زنان ادوار دشواری بود، زیرا با انواع مشکلات اجتماعی، خانوادگی و سیاسی دست و پنجه نرم می کردند، مثلاً هنگامی که تولد می شدند، زنده به گور می شدند، مانند متاع اقتصادی بی ارزش خرید و فروش می شدند، حق آزادی در انتخاب زوج نداشتند، ایشان هرگز مشوره صورت نمی گرفت، در مریضی ها از خانه بیرون رانده می شدند و هزاران مشکل دیگر...ولی..... ادامه در ص ۲

ولسه مصروفیتایم زیاد اس!!!؟؟؟" رئیس معارف"

عبدالله

و ماهی بگیرد. در صورت که همه اعضای رهبری در صحنه حضور داشته اکثرأ اوضاع به خود شکل بحرانی را گرفته و مهر فروشان با صلاحیتی که دارند از حمل مسؤلیت شانه خالی می کنند و کار را یکی علیه دیگری حواله می نمایند "پاسکان در بازی فوتبال" این که هر کدام شان تا کنون لایحه وظایف خود را نمی دانند و یا می دانند، حرفی است که به خود شان ارتباط می گیرد. ۲. حضور خیلی مشاوران: گروهی از تیمکی های کابل و ولایات دیگر زیر عناوین مشاوران انگشافی، تفتیش و نظارت و کنترل، مالی و حساب داری... در معارف غور تجمع نموده اند که برای تهیه جای بود و باش شان مصارف هنگفت صورت گرفته است. از طرف دیگر، عالی جنابان بفرمایند که از روز حضور شان تا هنوز کدام بهبود در وضعیت معارف غور رخ داده؟ بدون این که همه روزه هر کدام شان به بهانه تهیه گزارش به مقامات بالا، با کمپوتر های لپ تاپ خود ... ادامه در ص ۴

دههٔ چهل و پنجاه خورشیدی در کشور، سال های کشمکش و جر و بحث های بسیاری بود میان جوانان مکتب خوانده متأثر از جاذبه های سوسیالیسم و جوانان الهام گیرنده از افکار اخوان المسلمین و بنیاد گرایی اسلامی. هر چند این دو گروه وجوهٔ افتراق زیادی داشتند؛ اما در عمده ترین هدف شان که رسیدن به قدرت و مخالفت با رژیم حاکم و دست زدن به فعالیت های عملگرایانه و حتا ترور و قیام مسلحانه بود، با هم مشترک بودند. مردم، مردمی که شاه را سایهٔ خدا می دانستند و در ظل حمایت ارباب قریه شان در یک محیط و جو شبه فیودالی زندگی می کردند، ظاهراً به هر دوی این جریان به دیدهٔ شک و تردید می نگرستند و نسبت به آن ها چندان حسن نیتی نداشتند. پیام عمده و اساسی هر دو

این یک حقیقت مسلم است که معارف ستون فقرات و هسته اصلی یک کشور را تشکیل می دهد و هشتاد در صد فساد و اصلاح اجتماع منوط به فساد و اصلاح معارف است. اما معارف در غور به چه وضعیت قرار داشته و به کجا روان و آینده آن چطور خواهد بود؟ این ها همه سؤالاتی اند که ضرورت احساس می شود که شخص مسؤل درجه یک "ریس" و یا درجه دوم معارف به آن ها پاسخ ارایه کنند، به هر حال من نه به صفت مسؤل و پاسخگو، بلکه یک نظاره کننده اوضاع از بیرون و نسبتاً آگاه از داخل معارف چنین می نویسم:

۱. معارف از لحاظ اداره و مدیریت: وضعیت معارف غور از لحاظ اداره و مدیریت در یک حالت سردرگمی که هیچ نوع اعتماد و روحیه همکاری در بین هیئت رهبری و اداری وجود نداشته و هر کدام به سعی و تلاش این است که آب گل شود



چند گپ صاف و پوست کنده

* باز هم در بخش نسائی ولادی شفاخانه ولایتی غور از مریضان پول گرفتن فو و بعد از سر و صدای پایباز مریض پس دادن فو.

* مکتب لیسه تغه تیمور محلی می باشد که اگر کسی هیچ مکتب نخوانده باشد و می خواهد که از صنف دوازدهم فارغ گردد خود را ثبت نام کند بعداً پشت کار و غریبگی اش برود.

* بی پیر مرو به خرابات هر چند سکندر جهانی

* بی وکیل مرو به انکشاف دهات هر چند فقیر و ناتوانی

* به روز ۸ مارچ تحایف که برای زنان قهرمان در نظر گرفته شده بود این تحایف از ریاست صحت عامه گرفته به کارمندان اناثیه شفاخانه داده شد.

* یک تعداد از مریضا و پایبازان شفاخانه که نخواستند نام شان فاش گردد می گویند که اگر تا یک ماه دیگر پر بازی از نوکریوالی شفاخانه خاتمه نیابد میان هم مثل محبوسین گوانتانامو دست به اعتصاب غذائی خواهیم زد.

* مافیای گندم اضطرابی و گندم کورس های سواد آموزی معارف ادامه دارد.

* راستی که چاپلوس تا چاپلوس اس.

* نمایندگی حزب سیاسی م.م.م زیر لباس بنیاد فرهنگی م.م.م. اگر هدف واقعاً خدمت باشد، پس چرا تغییر نام؟؟؟؟!!! {فکر شود}

پیام تبریک

تمام دست اندرکاران بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور و نشریه فیروزکوه سال ۱۳۸۸ را به تمام مردم افغانستان و بالاخص به مردم شریف ولایت غور تبریک و تهنیت گفته و سال جدید را به فال نیک گرفته امیدواریم سال انکشاف و ترقی باشد.

مژده

سروده های زیبا و ناب محترم میرزا غلام محی الدین خادم در مجموعه شعری به نام لاله های حسرت به کوشش استاد فایق از چاپ برآمد، علاقمندان شعر و ادب می توانند از کتاب فروشی های شهر چغچران بدست آورند.

پنداشت ها و باور های آن ها را به رسمیت می شناسد و حقایق را چند لایه و متکثر و ذو بطون می بیند. جوان کمونیست دیروزی یکی از مشخصه های عمده او انقلابی بودن وی بود. او می خواست به سرعت و یک شبه همه چیز را دگرگون سازد و فلک را سقف بشکافد و طرح نو در اندازد. اما جوان امروزی ما، خود را اصلاح طلب می داند و با شیوه ها و روش های متعادل و مناسب و سنجیده گام بر می دارد و روند طبیعی تحولات اجتماعی را در نظر می گیرد و زمینه ها و بستر های دگرگونی را سبک سنگین می کند و در مجموع سعی می ورزد، شناخت دقیق تری از مردم و خواسته های آن ها داشته باشد. جوان دیروزی ما به شدت عملگرا بود. او می توانست کودتا کند، تظاهرات راه بیندازد، به ترور متوسل شود و وحشت خلق نماید و این ها را بخشی از راه رسیدن به هدف بیندازد؛ اما جوان امروزی ظاهراً با عملگرایی محض تعریف نمی شود. او تلاش می کند پیام خود را از طریق کتب، رسانه ها، فعالیت های مدنی و رفتار های غیر خشونت آمیز به مردم برساند و در این هدف و آرمان خویش خیلی عجول و شتاب زده هم به نظر نمی رسد و میانه روی و اعتدال از اصول اساسی او به شمار می رود در حالی که جوان پیرو سوسیالیسم افراط گرایی و شتاب از چهره های شاخص شخصیت او به حساب می آمد. جوان دیروزی ما، در غور، می توان گفت که تا حدود بسیاری اهل تقلید و غوغا. او قهرمانانی داشت که بیشتر سیاست مدار بودند و غالباً از طریق کودتا

از جوانان کمونیست تا مکتب رفته گان دموکرات...

جزم اندیشی. به هر حال زمانی که این گروه با تأثیر پذیری از الگوهای جهانی خویش و به کمک آن ها و با همان شیوه معمول آن ها - کودتا، جنگ و خشونت - به قدرت دست یافتند و رژیم حاکم را برانداختند؛ با همان شتاب زدگی ذاتی شان بدون توجه به ساختار های اجتماعی و بسترها و زمینه های فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی در پی تطبیق یک شبه دیگر خواسته های شان برآمدند و با استفاده از حربه معمول زور و ارباب و وحشت شروع کردند به کار ها و اقداماتی که نه تنها ما را به عدالت و برابری و مدینه فاضله که سوسیالیسم وعده می داد نزدیک نکرد؛ بلکه باعث ظلم و بدبختی و عقب ماندگی و کشتار و جنگ های گردید که جان ملیون ها انسان را از آن ها گرفت و ملیون ها انسان دیگر را مجبور به مهاجرت و آوارگی ساخت و خانه ها را ویران کرد و شهرها را به گورستان مبدل گردانید. اقدامات عجولانه و نسنجیده این گروه که روند طبیعی و نورمال رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را بر هم زده بود، در نهایت به تخریب و نابودی زیر ساخت ها و زمینه های توسعه و انکشاف انجامید و اعمال و رفتار همین های که به سنت گریزی و عنعنه ستیزی تظاهر می کردند، در عمل باعث تحکیم روابط و مناسبات سنتی گردید و به جای پیشرفت و ترقی، ما را سال ها به عقب برگرداند. از طنز های جالب زمان ما هم شاید یکی این باشد که همین سنت ستیز به اصطلاح متجدد پر شور که دیک نذر را چپه می کرد و به مذهب و

نماد های آن می خندید و مذهبی ها را توهین می کرد و زمین و املاک پدر خویش را به خاطر آرمان های سوسیالیسم می خواست به خلق رنجبر قسمت نماید، امروزه می بینی که برای خود چندین خانه و دکان و رستوران دست و پا کرده و در بهترین هتل های شهر با مصارف خیلی گزاف عروسی فرزند خویش را جشن گرفته و با لباس سیید و چین عنعنوی تازه از سفر حج برگشته است و چندین گاو و گوسپند نذر کرده و به بازدید کنندگان اش تسیح و آب زمزم تقدیم می کند و اگر احیاناً او را « جناب الحاج فالانی خان» نگویی دوباره انقلاب راه می اندازد! اگر بخواهیم جوان سوسیالیست سی چهل سال پیش را - لا اقل در سطح غور- با جوان مکتب خوانده امروزی که در این چند سال، تازه از زیر گرد و غبار و خاکستر جنگ سر بر آورده، مقایسه کنیم، می بینیم که دغدغه جوان تحصیلکرده امروزی باز هم مانند گذشته، مسأله عدالت است؛ اما این جوان برخلاف آن یکی، برای تطبیق خواسته های خویش نمی خواهد به زور متوسل شود و آدم بکشد. جوان کمونیست ما می خواست سنت را یکسره قربانی تجدد کند و با هر چه رنگ و بوی عنعنه داشته باشد، دشمنی بوزد. اما جوان امروزی که تجارب تلخ اسلاف خویش را زیر چشم دارد، می خواهد میان سنت و تجدد رابطه برقرار کند و برای ساختن آینده، پلی بزند میان گذشته و حال و آینده. جوان امروزی ما چون خود را دموکرات و هوا خواه مردم می داند به رسم و رواج ها و عنعنات آن ها به دیده احترام می نگرد و به خواسته ها و باور های مردم ولو به آن ها باورمند نباشد، قدر می نهد و چون کثرت گراست،

و خشونت و انقلاب به قدرت رسیده بودند. لینین، فیدل کاسترو، مائو، چه گوارا - و در جبهه دیگر کسانی مثل سید قطب - و امثال ایشان الگو های بودند که در میان جوانان دیروز ما، پیروان و علاقه مندان بسیاری داشتند. جوان آزادی خواه امروز ما را، شاید بتوان گفت که تا حدودی بی قهرمان است. او بیشتر میل دارد اهل تحقیق و تعلیم باشد تا اهل تقلید و عمل و احیاناً اگر گوشه چشمی به قهرمانانی هم داشته باشد، این قهرمان بیشتر از میان عالمان و محققان است تا سیاست مداران و صاحبان قدرت. سؤال اساسی اما این است که جوان مکتب خوانده امروزی ما که در پی عدالت و دموکراسی و آزادی است - با توجه به کارنامه جوانان دیروزی ما - چه نقشی می تواند در روند تحول اوضاع به عهده داشته باشد؟ اگر جوانان ما بیشتر به دنبال مسایل سیاسی باشند و به حول و حوش قدرت و مسند دور بزنند و از آن طریق (که خیلی مؤثر و پر کشش هم هست) بخواهند به اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شان برسند، بعید نیست که این ها هم در همان چاهی بیفتند که کمونیست ها و بنیاد گراها افتادند و از همان سوراخی گزیده شوند که آن ها گزیده شدند. اما اگر به همین شیوه کنونی و با استفاده از روش چاپ کتب و کرسی معلمی و رسانه ها و نهاد های مدنی و غیره به فعالیت خود ادامه دهند، هر چند شاید تأثیر کار آن ها چشمگیر و آنی نباشد ولی در بلند مدت ممکن است بتواند آینده روشنی برای جامعه ما به ارمغان آورد و در امر توسعه و ترقی و رفاه کشور، مفید و مؤثر واقع شود.

آیا هشتم مارچ عزت است؟؟؟؟.....

خوشبختانه با طلوع خورشید اسلام بر فضای جهان، چرخ فلک به نفع زنان چرخید، و در شؤون مختلف زندگی حق دریافتند که قبلاً برایشان قابل هرگز قابل تصور نبود.

ولی طوری که بر همه هویداست، از همان آغاز بعثت پیامبر اعظم اسلام، دشمنی یهود و نصارا با اسلام آشکار بوده است. و این حسادت و دشمنی آن ها وقتی به رویارویی نظامی تبدیل می شد که مسلمانان را ضعیف می یافتند مثلاً جنگ های صلیبی و تتر و غیره... که سرانجام این همه درگیری ها دریافتند که از طریق نظامی بر مسلمانان غلبه نا ممکن می باشد. پس دست به سلاح خطرناکتری زدند که آن عبارت است از جنگ فکری یا فرهنگی. اثرات این جنگ بسیار است ولی عمده ترین آن عبارت از تقویت حس قوم پرستی، مرز پرستی و وطن پرستی میان امت مسلمه، تجلیل از جشن های غربی، در حالی که پیامبر اعظم اسلام می فرماید: مسلمان فقط دو روز برای خوشی دارد و بس. یعنی سواى آن هر جشنی چه نو روز باشد، چه روز عشاق باشد، و یا هم چه روز زن، خلاف سنت بوده و بدعت به حساب می آید. لذا تجلیل از روز زن نیز یکی از اثرات تهاجم فرهنگی غرب علیه اسلام بوده که مسلمانان نا آگاه کورکورانه تقلید نموده و برای تظاهر نمودن این که گویا مترقی اند - چون فضا، فضای دیموکراسی است - تقلید می نماید که نتیجتاً چند نکته پیرامون روشن شدن موضوع بیان می گردد: ۱. نخست باید غور صورت گیرد که این روز اصلاً از کجا به وجود آمده است، این روز اصلاً در نتیجه تحرکات

زنان یونان به وجود آمده است، زیرا آنان تحت شکنجه و عذاب های اجتماعی و سیاسی قرار گرفته بودند، پس بدین معنی است که زنان مسلمان اگر تحت شکنجه ای همچو آن ها قرار نداشتند - اگر داشتند هم بخاطر عنعنات و رسوم قومی بوده - چرا باید این روز را تجلیل کنند؟؟؟ ۲. طوری که قبلاً ذکر گردید پیامبر اعظم اسلام فرموده است که مسلمان فقط دو روز برای جشن گرفتن و خوشی کردن دارد و بس. و نیز در جایی دیگری می فرماید که هر کسی خود را به قومی شباهت داد - از هر لحاظی که باشد - در روز قیامت از جمله همان قوم به حساب می آید. ۳. اگر امت مسلمه تجلیل و پذیرفتن این گونه بدعت ها را به همین طور ادامه بدهند، در ذهن نسل های آینده چنین حک خواهد شد که گویا این جشن ها و محافل، منبع مذهبی و دینی داشته و تطبیق آن و اخذ آن هیچ مشکلی ندارد، که یکی از اهداف کافر استعمار گر می باشد. ۴. با تجلیل این روز، این مسئله در ذهن انسان پیدا می شود که آیا زن فقط در یک روز مورد احترام قرار گیرد، و یا فقط در یک روز به آن ها فرصت های اجتماعی و سیاسی داده شود، پس در این صورت اگر تمام روز های سال به زنان بی احترامی صورت گیرد، هیچ مشکلی ندارد چون آن ها روز مخصوصی دارند... (دقت). بنأ بر ماست تا علیه این همه نا رسائی ها به مبارزه برخاسته و با ذهن و عقل بیدار در برابر آن پیکار نموده و کوشش شود تا فرهنگ خالص اسلامی در جامعه تطبیق شود.

و ما علینا الا البلاغ



تلخ و شیرین

کابینه در جوش.....

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

وزیران بی بند و بار است

بادیگارد های شان قطار است

هر یکی کروزی سوار است

تا انتخابات یا نصیب

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

کابینه تیز و چوتار است

وزیرمشاورها بیکار است

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

مردم زخمی و افگار است

هر روز در شهر انفجار است

دولت بی ننگ و بی عار است

تا انتخابات یا نصیب

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

مردم غریب و بیکار است

از پارلمان هم بیزار است

دولت در فکر دلار است

تا انتخابات یا نصیب

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

پارلمان نا پایدار است

کابینه ما نند مار است

دل مردم داغدار است

تا انتخابات یا نصیب

کابینه در جوش ما کپچه زنی

پارلمان در خواب ما دپچه زنی

گفتگوی ویژه با محترم سید اقبال منیب..

که نتایج این ملاقات ذیلاً خلاصه می گردد:

۱. در ملاقات با رئیس جمهور جمهوری

اسلامی افغانستان؛ اعمار بند برق پوزه

لیج، اسفالت سرک هرات - چغچران،

اسفالت سرک یکاولنگ - چغچران و

ایجاد شاخه از تحصیلات عالی با وعده

قوی شخص رئیس جمهور به نمایندگان

اطمینان داده شد. چنانچه جریان صحبت

ایشان از طریق تلویزیون ملی پخش و

نشر گردید.

۲. در ملاقات با وزیر فواید عامه؛ اسفالت

۲،۲۰۰ کیلومتر جاده های داخل شهر و

به طول ۲۰۰ کیلومتر سرک درجه سوم

در سال ۱۳۸۸ وعده قطعی داده شد.

۳. در ملاقات با ریاست مستقل ارگان

های محل جمهوری اسلامی افغانستان؛

وعده اسفالت ۵ کیلومتر سرک داخل جاده

های شهر داده شد و هم چنان مبل و

فرنیچر و وسایط مورد نیاز دفاتر مقام

ولایت را این اداره اکمال می نماید و نیز

۵۰۰ هزار دالر جهت تقویه بنیه مالی

اداره شاروالی غور وعده کمک داده شد.

۴. در ملاقات با وزیر صحت عامه؛ با

توضیح بودجه اعمار تعمیر شفاخانه

استندرد ولایتی و ارتقا آن از هفتاد بستر

به صد بستر و اکمال یازده باب مرکز

صحی را که بودجه آن آماده است،

۹. متقاعد نمودن کمیته ملی مبارزه با

حوادث به ارسال مقدار ۷۰۰۰ مترک تن

گندم سهمیه ولایت غور در حوالی بهار

سال ۱۳۸۸.

۱۰. خدمات مخابرات در تمامی واحد

های اداری ولایت غور تحت پوشش

خدمات MTN یا اریبا قرار می گیرد و

نیز تعمیر پسته خانه که در پلان است،

اعمار می گردد.

۱۱. در ملاقات با وزیر تحصیلات عالی؛

وعده سپرده شد که از فارغین دانشکده

ها مطابق معیار های وزارت تحصیلات

عالی بعد از اخذ امتحان - برای ادامه

تحصیلات (ماستری و یا بالاتر) - تعیین و

به خارج از کشور اعزام می شوند.

۱۳. در ملاقت با وزیر معارف؛ شش نفر از

فارغین صنوف دوازدهم را بعد از اخذ

امتحان غرض فراگیری تحصیلات عالی

به خارج از کشور اعزام می نمایند و هم

چنین یکصد نفر معلم مسلکی را با

امتیازات کافی به ولایت غور اعزام می

نمایند.

۱۴. در ملاقات با وزیر اطلاعات و

فرهنگ؛ ایجاد امریت جوانان به طور

دایمی و ارسال دوازده پایه کمپیوتر و

اکمال رادیو تلویزیون با وسایل تخنیکی و

اعمار تعمیر آن با کتابخانه به نمایندگان

اطمینان داده شد.

۱۵. در ملاقات با وزیر انرژی و آب؛

شهرک، چهل حلقه چاه آب آشامیدنی و

شبکه آبرسانی نقره گک مرغاب را به

نمایندگان محترم اطمینان دادند و نیز اضافه

نمودند که تمام مراحل آن از قبیل طی

بودجه، منظوری و قرارداد تکمیل گردیده که

از اواخر ماه حوت کار عملی آن آغاز می

گردد.

فوقاً طی ۱۸ ماده کارکرد های انجام شده

طور فشرده تقدیم شد.

فیروز کوه: به نظر شما این وعده های دولت

تا چه اندازه می تواند جنبه عملی را به خود

بگیرد.

منیب: ما متقین هستیم که این وعده ها جنبه

عملی را به خود می گیرد، زیرا ما به این باور

هستیم که اکثریت این پروژه ها شامل پلان

وزارت های سکتوری بوده و دارای بودجه و

منابع پولی مشخص و معین می باشند که در

بودجه مالی وزارت خانه ها در نظر گرفته

شده است. و ما نیز به نوبه خود، به موقع و

تا آن جایی که امکانات اجازه دهد، پروژه ها

را پی گیری خواهیم کرد.

فیروز کوه: بعضی از شهروندان چغچران

بدین باور هستند که دولت در طی این مدت

که از عمرش گذشته، نتوانسته در غور

نسبت با سایر ولایات کاری چشم گیری

انجام دهد و در این چند ماه محدود، هرگز

نمی تواند و اگر بتواند، نخواهد کرد. شما در

این باره چه می گوئید.

منیب: ما نیز به نظر شهروندان شریف شهر

لادرک

به پاسداری گوشت مانندن پشک را ز دست دادند بهر جای محک را عفونت رانمک باشد دوایی در اینجا کرده اند بدبو، نمک را قوماندانهای غوردراين ولايت فريبی داده اند چرخ فلک را صراط المستقيم هرگز نرفتند نمودند انتخاب راه کجک را عدالت از وطن غیب وغروب نمى يابم ديگر اين لادرک را اگر دولت همی خواهد عدالت ز چوکی دور کند خار و خشک را خیانت پیشه گان مغرور و فربه نبیند از تکبر لاغرک را به یغما برده اند آثار کشور بهم تقسیم نمودند مشترک را مواد ارتزاقی گشته غارت به بوجیها فرو برده روك را روغن از بین بار جای گشته مفقود به مردم داده اند خالی، پتک را امید امنیت تبدیل به یأس شد ز دست دادم امید کم کم کمک را به جای بلبان زاغ سیاه است ز گلشن رانده اند هر شاهپورک را به امید جزایی روز موعود زدل بیرون نمایم ریب و شک را غلام نبی توکل با خدا کن زرب خود طلب بنما کمک را

ملا غلام نبی از قریه اسفرمانی پشته نور دولتیار

اطمینان داده شد. و در عین حال موافقت به عمل آمد که دوکتوران ولایت غور جهت فراگیری تحصیلات عالی از طریق بورس های فیلو شپ و اسکالر شپ به خارج از کشور اعزام شوند. و هم چنین در زیارت کعبه شریفه برای دوکتوران غور حق اولیت داده می شود.

۵. در ملاقات با وزیر مواد مخدر؛ منظوری شش پروژه مشتمل بر پنج باب مکتب و یک کانال را با بودجه ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دالر امریکائی موافقت و وعده دو میلیون دالر دیگر را تا اواسط ربع اول سال ۱۳۸۸ اعلام داشت که از پول وعده داده شده پروژه را کمیته انکشافی ولایتی تعیین می نماید.

۶. در ملاقات با وزیر انکشاف شهری؛ پروژه آب رسانی با بودجه ۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دالر امریکائی تعهد سپرده شد.

۷. در ملاقات با وزیر ترانسپورت و هوانوردی؛ اسفالت دو کیلومتر خط پرواز توسط تیم پی آر تی و پارکنگ و ساختن ترمینل با ملحقات آن، که از بودجه وزارت مذکور تمویل می گردد، با شرکت برنده قرارداد گردیده و در آغاز بهار شروع خواهد شد.

۸. طی ملاقات با قاضی القضاة جمهوری اسلامی افغانستان؛ پذیرش ده نفر از تحصیل کردگان در رشته قضا موافقت صورت گرفت که در این مسلک پذیرفته شوند.

عجالتاً یک پایه دیزل جنراتور یک هزار کیلو وات را به رئیس برق غور رسماً تسلیم داد و بند برق پوزه لیج در پلان بوده و تدابیر بهتر آغاز کار عمی آن روی دست است و همچنان شش کانال و چهار بند کوچک ذخیره آب محکم سواحل دریا در سه موقعیت مختلف تحت پلان سال ۱۳۸۸ است.

۱۶. در ملاقات با وزیر عدلیه؛ اعمار تعمیر مدیریت محبس، ارسال یک عراده موتر، و تادیه قرضه صرفیه برق زمان های قبل را وعده سپرد که پرداخته و اجرا می شود.

۱۷. در ملاقات با وزیر داخله؛ امریت اطفایه را با یک عراده موتر مخصوص اطفایه فعال می نمایند.

توجه به تشکیلات جدید در ولسوالی ها، توجه به سیستم مخابرویی و توجه به ترمیم وسایط صورت می گیرد. و نیز تقرر کارمندان صحنی در چوکات پولیس، ریفرم افسران پولیس در تامین امنیت شاهراه هرات - چغچران خواهد گرفت.

۱۸. در ملاقات با وزیر احیاء و انکشاف دهات؛ مقدار ۴۵۰۰ متریک تن گندم را به ولایت غور رسانیده و یک هزار حلقه گابیون را وعده سپرد و هم چنان اعمار پل شورابه بالای دریای مرغاب، دو پایه پل در ولسوالی دولتیار، پل پیاده رو در داخل شهر چغچران، پل کمرک در ولسوالی چارسده، پل کمنج در ولسوالی

چغچران و تمام اهالی ساکن در ولایت چه آن هائی که در مرکز زندگی می نمایند و یا در دور دست ها، احترام می گزاریم. ناگفته نباید گذاشت که دولت با وجود چالش های که سر راه ترقی و انکشاف داشته، کماکان ما شاهد فعالیت ها و اجرای یک سلسله پروژه هائی که منفعت مردمی داشته اند، بوده ایم. و این چند ماه محدود، ختم نه بلکه سر آغاز یک سلسله پروژه های اساسی و حیاتی می باشد. ما باورمند به ارزش چنین اقدامات اساسی، نیک و مفید هستیم. اگر این پروژه ها در این مدت کوتاه عملی نشوند، حد اقل آغاز آن جای نهایت امیدواری است. و نتایج نهائی عملی این پروژه مربوط مقامات ذیربط دولتی می شود.

ما پیام مردم را روی نیازمندی های شان به مقامات ارایه نمودیم و هم چنان طی این سفر مشکلات مردم شریف ولایت غور را به مقامات ذیصلاح دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه جهانی رسانیدیم و خواستار همکاری شان شده ایم. و تلاش داریم نسبت به گذشته ها در سالی که پیشرو داریم شاهد نو آوری ها و انکشاف بیشتر و بهتر جهت رفع مشکلات و نیازمندی های مردم باشیم. البته جز مسؤلیت خود می دانیم که مشکلات ولایت غور را با طرح ها و پلان های مناسب به مقامات مربوطه برسانیم و توجه شان را جلب نمائیم.

فیروزکوه: تشکر بسیار زیاد، که وقت گران بهای تان را در خدمت ما گذاشتید.

سلام به آقای یعقوبی...

برابر مردم خود مسؤل می دیده و این مساله منافاتی با بحث آزادی بیان و موضوع عقلانیت انتقادی نداشته است.

۲- فیروزکوه از نصایح و موعظه های ایشان برای این که مردم غور را به وحدت و اتفاق و دوری از نفاق و اجتناب از طرح مسایل قومی و منطقوی دعوت کرده اند تشکر می کند و از یاد آوری شان در باب ترویج فرهنگ تشویق و تقدیر در کنار انتقاد کاملاً به جا می داند.

۳- ایشان با تأسف بسیار که «دامن زده شدن مسایل سمتی، قبیلوی، و جاه طلبی» را به تحصیل کردگان و تلویحاً به فیروزکوه نسبت داده اند و قضاوت عام کرده اند که این واقعاً برای ما خیلی دور از انتظار بوده است. اولاً تمام تحصیل کردگان در فیروزکوه کار نمی کنند و آن چه فیروزکوه می گوید، نباید به پای همه تحصیل کردگان نوشته شود. ثانیاً برای تحصیل کردگانی که در فیروزکوه کار می کنند و از مناطق مختلف غور آمده اند هیچ گاه مسایل قومی و منطقوی مطرح نبوده - که همه آن را می دانند- و هیچ کس نمی تواند به قلم آن ها در فیروزکوه چنین مسایلی را نشان بدهد. ثالثاً اعضای نشریه فیروزکوه از کابل تا هرات و بلخ و چغچران گسترده اند و بیشتر مقالات ذریعه انترنیت ارسال می شود و مراجع تصمیم گیرنده هم هیچگاه به لحاظ تخنیکی و عملی در شرایطی نیستند که بتوانند مطالب را صد در صد کنترل نمایند. و مطالبی که در نشریه فیروزکوه نشر می گردد، دیدگاه فیروزکوه نمی باشد، بلکه دیدگاه

عملیاتی که از عملیات محترم رحمانی صاحب موفقانه برآمدند تقدیر و تمجید می نماید» جناب یعقوبی صاحب تو دانی و خدا، از کجای این نوشته (که عین متن شورای علماست) می توان «بی اعتمادی به مهارت دوکتوران» برداشت کرد؟ امیدوارم بعد ازین نا خواننده قضاوت نکنید و به گپ های سر چوک در رابطه به مسایل مهم نتیجه گیری ننمایید. ۵- ما از دست آوردها و فعالیت های مسولین شفاخانه و داکتران عزیز قدردانی می کنیم و امیدواریم همه کارها بیشتر از پیش با رونق باشد؛ اما این طورهم نیست که اداره شفاخانه تافته جدا بافته ای از نظام اداری و کاری افغانستان باشد. این که اداره در کشور چه قدر شفاف و فعال و عاری از فساد است، تمام جهان می داند و اداره غور هم بهر حال خارج از سیستم اداری افغانستان نیست. به طور نمونه: اگر یاد شما باشد. آقای داکتر پاک نژاد و مدیر اداری ایشان و مستوفی وقت (به حق یا ناحق) به خاطر مشکلات حوزه کاری شما (صحت عامه / شفاخانه) به زندان رفتند. اگر یاد شما باشد وقتی افضلی والی وقت از ۹۰ عراده موتوری که در برنامه های واکسیناسیون به کرایه گرفته شده بودند بل سفر خواست هیچ کس یک بل هم ارایه نتوانست. اگر یاد شما باشد در قضیه تبدیل طفل در شفاخانه، اداره شما در شهر غوغا به پا کرد. اگر راست بود هم از طرف اداره شما بود و اگر دروغ بود باز هم از طرف اداره شما گپ آن به گوش ها رسید. اگر یاد شما باشد مساله جنگ پیشقاب ها در شفاخانه شما به میان آمد. آیا این ها را می شود انکار کرد؟ شاید شما در آن وقت مسول شفاخانه نبوده اید، اما مردم روی نهادها قضاوت می کنند نه روی افراد. به هر حال ما خوشحال هستیم که

گپ اساسی این است که آن ها مأمور نه بلکه همه کاره هستند، هیبت تدارکات آن ها هستند، هیبت خریداری آن ها هستند، معامله گر آن ها هستند... تا وقتی که در غور هستند، اما وقتی به بهانه های حمل کتب... به کابل می روند از آمدن نیستند و همین که برگشتند باز هم کرایه سفریه های گزاف را به جیب می زنند. از این امرمسؤلین دست دوم معارف نیز مستثنی نیستند که اقرباً خود را به ادارات مربوط معارف توظیف نموده و از آن ها به صفت مجری برنامه های اختلاس و سفر... استفاده می کنند. و از وضعیت ظاهری شان چنین معلوم می شود که کارمند کدام موسسه معاش دالری هستند در حالی که تنخواه شان بلندتر از دو هزار و هشت صد افغانی نیست! بنا بر این می توان گفت:

اگر راز نباشد در این کار

دنبه چه می خواهد به میان شیار
۵. استفاده از صلاحیت و وظیفوی در داخل خود ریاست معارف به طور سرسام آور و عام وجود دارد: به دلیل که نمی توان با گذاشتن یک گیلاس چای خود به داخل یک اداره بدون مهر و لاک و قفل یک

دارد که بتواند این اداره را دوباره زنده و سر پا استاد بکنند و با ایمان داری و صداقت وظیفه خود را انجام بدهند. قابل تذکر که وضعیت در داخل اداره معارف زمانی اندکی به خود شکل عادی و نارمل را می گیرد که تخصیص قابل ملاحظه سرازیر شود آن وقت است اعضای بلند پایه معارف به بروت مالی شروع می کنند و یک دیگر خود را به صاحب، صاحب گفتن صدا می کنند.

این وضعیت تا زمانی ادامه پیدا می کند که تخصیص از بانک کشیده شود و کوت بخش شود و همین که پول تقسیم شد، پس اوضاع بحرانی می شود و حالت اولی را بخود می گیرد.

۶. سفریه های عروسی: دیده شده که بعضی از شخصیت های همه کاره ریاست معارف غور که به عروسی اقارب خود می روند و در برگشت از یکی دو مکتب مسیر راه دیدن کرده و بعد از رسیدن سر وظیفه، از مدت عیش و نشاط خود که در گزارنده بود، خدمتی تعریف کرده و برای خود کرایه سفری حواله نمود که خود خجالت است که خودش باید به آن پی ببرد.

نویسنده آن می باشد.

۴- داکتر یعقوبی در رابطه به قضیه مولوی رحمانی و ماده آخر یا ششم قطعنامه شورای علماء که در شماره هفتم سال جاری نشر شده، اشاره می کند و می نویسد که در این قضیه: «فیروزکوه با تغییر جمله و این مفهوم که نسبت به مهارت دوکتوران غور بی اعتماد اند انعکاس یافت» واقعاً این نقل قول بسیار عجیب است. ما برای روشن شدن مطلب ماده آخر قطعنامه شورای علماء را چنان که در فیروزکوه چاپ شده بود در این جا نقل می کنیم:

« ۶- شورای علمای ولایت غور از تیم داکتران

وله مصروفیت هایم زیاد اس...

را مصروف نشان می دهند، بی خبر از این که همه می دانند که شما مصروف تهیه گزارش نه بلکه مشغول مسابقه گیم زنی هستید" به فکر من لباس های هیبت رهبری معارف چرک است! زیرا مشکلات بارها بار بمقام ریاست معارف پیش کش شده است، اما شخص رییس معارف با همان صلاحیت که دارد ظاهراً طوری معلوم می شود که خلل دماغی داشته چون با اکثر مسایل نهایتاً سطحی برخورد می کند و از طرفی هم حافظه اش نهایتاً ضعیف است و بهانه اش این است که "وله مصروفیت هایم زیاد اس" و به دلیل آلوده بودنش، اداره وی علیه افراد مادون نهایتاً ضعیف است، و از طرفی هم همیشه با استفاده از سمینارها و ورکشاپ های وزارت معارف ده روز پیش به نام کابل به خانه خود می رود و پانزده روز بعد از ختم سمینار به غور بر می گردد و اما روزهای را هم که در غور به سر می

شفاخانه ولایتی غور هر روز بیشتر از پیش بتواند خدمات ارزنده به مردم غور عرضه کند. ما برای شما توفیق خدمت آرزو می کنیم. موفقیت شما موفقیت همه غور در عرصه صحت است. ما انتقادها و مشوره های نیک شما را با جان و دل می پذیریم؛ اما توقع داریم با مسایل فرهنگی اندکی با غور و دقت و حوصله و مهربانی بیشتر برخورد نمایید و از شومی یک شوم شهر روم را به آتش نکشید و تمام تحصیل کردگان را که خود شما نیز از جمله آن ها هستید از یک قلم منطقه گرا و مغرض و جاه طلب نخوانید و اذهان عامه را نسبت به آن ها مغشوش نفرمایید که نه برای شما حاصلی دارد و نه برای آن ها.

فیروزکوه

برد، معمولاً روزهایی است که تخصیص های ربع وار ادارات مربوط معارف حواله می شود و همچنان روزهای انگشت شماری که در غور است مصروف حواله کردن کرایه سفری و یا هم به بند گرم آبک مشغول نشاط و رفع خستگی خود است؟؟؟؟؟. وجود معامله در پروژه های مربوط معارف: باز هم حرف از ضعف مدیریت و عدم کنترل و نظارت در کارهای معارف است به گونه که اگر در مورد پروژه های معارف از وی سوالی شود علی الفور شعبه انجینری را طلب می کند و به حرف های تر و خشک آن ها قناعت می کند، با وصف که پروژه های را که انجینر صاحبان مکتب نخوانده معارف به اساس ساخت و سازهای تایید می کنند اصلاً کیفیت نداشته و قبل از آن که مورد استفاده و بهره برداری سپرده شود، ترمیم طلب می شود. ۴. خانواده گی شدن ریاست معارف: بنا به گفته خود رییس صاحب مصروف، تعداد از همسایگان منطقه خود را زیر عنوان اعضای خانواده و وابستگان و اقربای خود به غور آورده و به صفت مأمور در ریاست معارف استخدام کرده است،

نمود، گزار از وضعیت موجود در گدام ها و تحویل خانه آن که چه وضعیت خواهد بود، خدا می داند، جنسی معارف تحویل دار و کارمندان تهیه و تدارکاتش از چنین وضعیت نابسامان مقام محترم ولایت آگاهی عام و تام داشته نمی دانم روی چه علل از یک واحد اداری مادون خود نظارت و کنترل نمی نماید. این که همچنان وضعیت در آن جا هم حکم فرما است و یا آن که آن ها هم به این سو استفاده ها شریک هستند که شواهد زیاد وجود دارد که امر دومی را تایید می نماید و یا این که اداره مقام ولایت نیز ضعیف و ناتوان است که توان کنترل ادارات مادون خود را ندارد، لذا این اداره هم ضرورت به اشخاص آگاه و صاحب تجربه و متعهد و مؤمن

۷. از لحاظ تدریسی: وضعیت و تدریس در معارف رقت بارتر از وضعیت اداری است که مکاتب تنها و تنها برای معاش گرفتن فعال اند و بس نه در واقع شاگرد وجود دارد و نه هم معلم و استاد که بتوان سر آن حساب نمود علل این را می توان چند چیز عنوان کرد: * کمبود معاش معلمین.

* نبود معلمین مسلکی و متعهد، دلسوز به اطفال این سرزمین.

* بروز نا امنی ها در شهر و ولسوالی ها.

در اخیر قابل یاد آور است که این حقایق از زمان آقای احمدی ادامه دارد، امیدواریم که مسئولین درجه یک جدید ولایت غور پیرامون موضوع توجه جدی داشته و اصلاحات چشم گیری را بوجود آرند.

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

معاون مدیرمسئول:

سردبیر:

معاون سردبیر:

ویراستار:

گزارشگر:

طرح:

ادرس الکترونیکی:

مسئول امور مالی:

تحت نظر:

محل چاپ:

استاد خالقداد فیروزکوهی

عبدالشکور عزیز / تماس: ۰۷۹۹۳۳۴۴۳۰

غلام جیلانی روستانی / تماس: ۰۷۹۹۵۷۵۰۱۱

قربان کریمی / تماس: ۰۷۹۷۰۷۳۸۲۴

اختر محمد اخگر / تماس: ۰۷۹۷۱۸۵۰۶۵

غلام ربانی هدفمند / تماس: ۰۷۹۷۲۴۴۳۰۰

قربان حکمت / تماس: ۰۷۹۸۲۶۲۷۱۹

عبدالوقار دانشیار / تماس: ۰۷۹۶۳۱۵۸۵۷

ferozkohm@yahoo.com

ضیا الحق فیروزکوهی

هیأت تحریر

چاپخانه سهر / شمارگان: ۱۵۰۰